فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۲- شماره۴ –تابستان۱۴۰۵ – صفحات۷۸۲-۷۶۷
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

# بررسی چالش‌های اثبات تجاوز به عنف در حقوق کیفری ایران با تأکید بر نقش ادله علمی نوین و علم قاضی

مهران خوش سلوک
دکتری حقوق، مدرس دانشگاه، وکیل دادگستری

**چکیده**

اثبات زنای به عنف در نظام کیفری ایران به دلیل الزام به ادله سنتی اثبات جرم، با چالش جدی مواجه است. این چالش موجب شده است در صورت تأخیر قربانی در تقدیم شکایت و یا عدم وجود نشانه‌های فیزیکی آثار جنایت، امکان زیادی برای برائت متهم ایجاد شود و شخص متعرض، با وصف انجام عمل مجرمانه، از چنگال عدالت بگریزد. علم قاضی نیز در پرونده‌های منافی عفت، اغلب بر پایه ادله سنتی ایجاد شده و ادله نوین و علمی و تخصصی، تاکنون جایگاه واقعی خود را در پرونده‌های مذکور به دست نیاورده است. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی نقش ادله علمی نوین در حصول اقناع وجدان قاضی در رفع چالش اثبات زنا پرداخته است و با ارائه مدل سه لایه اثبات(ادله سنتی+ ادله علمی+ علم قاضی)، نه تنها اثبات جرایم منافی عفت و یا برائت متهم را تسهیل می‌نماید، بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی شده و دادرسی عادلانه را به منصه ظهور خواهد رساند.

**واژگان کلیدی:** زنای به عنف، ادله علمی، علم قاضی، رضایت، حمایت از بزه‌دیده.

## ۱. مقدمه

جرایم جنسی به‌ویژه زنای به عنف، از جمله جرایم پنهان (dark figure crimes) محسوب می‌شوند که به دلیل ماهیت آسیب‌زا و پیامدهای اجتماعی سنگین، از حساس‌ترین موضوعات نظام‌های حقوقی جهان است. نظام کیفری ایران بر پایه فقه امامیه، برای اثبات این جرم ادله مشخصی (اقرار، شهادت چهار مرد عادل) پیش‌بینی کرده است. با این حال، واقعیت‌های جرم‌شناختی نشان می‌دهد که این ادله در عمل در بسیاری از موارد غیرقابل دسترسی‌اند؛ زیرا جرم در خفا رخ می‌دهد و قربانی غالباً در موقعیتی قرار ندارد که بتواند شاهدان چهارگانه مرد عادل فراهم کند. همچنین علاوه بر ادله یادشده، «علم قاضی» را نیز بعنوان یکی از ادله مهم اثبات جرم معرفی نموده است.

از سوی دیگر، پیشرفت علوم جنایی در چند دهه اخیر ابزارهای اثباتی نوینی مانند آزمایش DNA، بررسی آثار پزشکی قانونی، ارزیابی روان‌شناختی و داده‌های دیجیتال را در اختیار دستگاه قضایی قرار داده است. پرسش کلیدی این است که آیا نظام حقوقی ایران می‌تواند این ادله را در چارچوب «علم قاضی» (مستند به ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) به‌عنوان مبنای اثبات بپذیرد؟

### ۱-۱. پرسش‌های پژوهش:

چالش‌های اصلی اثبات زنای به عنف در رویه قضایی ایران چیست؟

ادله علمی نوین چه جایگاهی در آرای قضایی دارند؟

علم قاضی تا چه حد می‌تواند رافع خلأ ادله سنتی باشد؟

مدل مطلوب اثبات این جرم کدام است؟

### ۱-۲. فرضیه‌ها:

به نظر می‌رسد ادله سنتی در عمل کارآمدی کافی ندارند.

ادله علمی نوین با موانع فقهی و رویه‌ای مواجه‌اند و بدین سبب کارآمدی کافی ندارند.

به نظر می‌رسد مدل تلفیقی می‌تواند راهگشا باشد.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه

### ۲-۱. مبانی فقهی

در فقه امامیه، زنا از سه طریق اثبات می‌شود: اقرار، شهادت و علم قاضی و اما در شرایط خاص لعان، از طریق شهادت پنجم زوج نیز محقق می‌شود. محقق حلی درشرایع الاسلام و شهید ثانی در مسالک الأفهام بر سخت‌گیری در اثبات جرم زنا تأکید کرده‌اند. امام

خمینی (ره) دراثر جاویدان تحریرالوسیله، علم قاضی را بعنوان یکی از طرق معتبر اثبات پذیرفته‌اند و کافه فقهای متقدم نیز بر این موضوع اتفاق نظر دارند.

**۲-۲. مبانی حقوقی**

مستند به ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲: «ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد قانونی و علم قاضی است». همچنین در ماده ۲۱۱ از قانون یادشده، به تعریف علم قاضی پرداخته شده آمده است: «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بیّن در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. الی آخر» و در ماده ۲۱۲ از همان قانون نیز جایگاه علم قاضی در تعارض با ادله قانونی دیگر تبیین شده است. اما در خصوص حکم زنای به عنف و اکراه، قانونگذار در بند «ت» از ماده ۲۲۴ قانون مارالذکر، سلب حیات و اعدام را برای مرتکب عنف و اکراه در نظر گرفته و مصادیق دیگری از زنای به عنف را در تبصره ذیل همان ماده تعیین نموده است.

**۲-۳. پیشینه پژوهش:**

در اثبات جرایم جنسی و ادله اثبات زنای به عنف و اکراه، کافه علمای حقوق جزا در ایران به تشریح و تبیین موضوع پرداخته و آثار اساتید گرانقدر حقوق جزا و جرم‌شناسی در دسترس اهالی حقوق قرار دارد. آثار اساتیدی چون: دکتر میرمحمدصادقی، دکتر گلدوزیان، دکتر اردبیلی، دکتر نوربها، دکتر نوبهار، دکتر کی‌نیا و سایر اساتید در حقوق جزای اختصاصی قابل دسترس بوده لیکن می‌توان این پژوهش را به دلیل مدل سه لایه و تطبیق ادله سنتی، ادله علمی و نوین و علم قاضی، منحصر بفرد دانست.

بررسی منابع داخلی نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود عمدتاً به یکی از این سه محور پرداخته‌اند:

پژوهش‌های فقهی: مانند آثار محقق حلی، شهید ثانی و علامه حلی که به تحلیل منابع روایی پرداخته‌اند.

پژوهش‌های حقوقی: مانند کتب حقوق جزای اختصاصی اساتید حقوق و مقالات پژوهشگران و محققین به ادله سنتی پرداخته و آن را تحلیل کرده‌اند.

پژوهش‌های جرم‌شناختی: مانند مطالعات آماری در خصوص فراوانی جرایم جنسی.

با این حال، خلأ پژوهشی در تلفیق سه رویکرد (فقهی- حقوقی- علمی) محسوس است؛ که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد.

**۲-۴. روش تحقیق:**

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی، ضمن بررسی ادله سنتی اثبات جرم تجاوز به عنف، به ادله علمی نوین پرداخته و با ارائه مدل سه لایه، علم قاضی را به ادله سنتی و علمی نوین پیوند زده است.

**۳. کلیات و تعاریف:**

**۳-۱. جرائم جنسی:**

جرایم جنسی، به مصادیقی خاص از تعریف عام جرم اشاره می‌کند که ناشی از تمایل زنان و مردان در امور جنسی به یکدیگر و یا تمایل افراد همجنس به اعمال شنیع و امور جنسی به یکدیگر می‌باشد. از دیدگاه شرعی نیز، به عمل منافی شرع، که حاکی از نوعی انحراف در ارضای غرایز جنسی است اطلاق می‌گردد.

جرائم جنسی را می‌توان زنا، لواط، تفخیذ، مساحقه، ملامسه و سایر جرائمی دانست که شارع مقدس مجازات آنها را در قالب حدود شرعی و یا تعزیر تشریع نموده و قانونگذار نیز بر همین اساس، مجازات مربوط به هر یک از جرایم جنسی را تعیین کرده است. جرائم جنسی، علاوه بر مصادیق مذکور، شامل آزارهای جنسی و هرزه‌نگاری(پورنوگرافی) نیز می‌باشد که مجازات‌های آن در قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ قانونگذاری شده و از بحث این پژوهش خارج است.

**۲-۳. تجاوز به عنف:**

**تجاوز:** در فرهنگ فارسی عمید، «از حد در گذشتن، از اندازه خارج شدن» به عنوان معانی تجاوز بیان شده است

- تخطی از حد و مرز قانونی و شرعی
- تعدی نمودن از حدود و اختیارات، نیز به عنوان سایر معانی تجاوز آمده است.

**عنف:** در معانی «شدت، قساوت، ضد رفق» در فرهنگ فارسی عمید آمده است.

**اکراه:** در فرهنگ معانی مذکور، «کسی را به زور و ستم به کاری واداشتن، کسی را خلاف میل و رضای او به کاری مجبور کردن» در معانی اکراه بیان شده است.

تجاوز به عنف، شدیدترین نوع خشونت جنسی فیزیکی است که طی آن مردی به عنف و به اجبار و بدون رضایت زن با او نزدیکی نماید. این مصداق تجاوز به عنف در تعبیر زنای به عنف، کارا تر بوده و در صورتی که جنسیت مجنیٌعلیه، مذکر باشد، تجاوز به عنف به وی، لواط با اکراه و اجبار بوده که مفعول این جرم فاقد هرگونه قصد و تمایل به برقراری رابطه جنسی بوده است.

**۳-۳. دلیل:**

در فرهنگ فارسی عمید: «دلیل در لغت به معنی راهنما و مرشد و آن چیزی است که برای ثابت کردن امری می‌آورند. معنای اصطلاحی دلیل نیز، از معنای لغوی آن چندان دور نیفتاده است».

در ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند».

همانگونه که ادله اثبات در دعاوی حقوقی توسط قانونگذار در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی تبیین شده، ادله اثبات جرم نیز در ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد قانونی و علم قاضی می‌باشد.

**۴-۳. رضایت:**

در فقه و حقوق مدنی، رضایت به معنی تمایل و خواست در شرایط عادی تعبیر شده است و این واژه در برابر اکراه و اجبار قرار گرفته است. در بند ۱ از ماده ۱۹۰ قانون مدنی نیز، از «رضایت» بعنوان یکی از ارکان صحت عقد نام برده شده که در صورت عدم وجود آن، معامله غیرنافذ می‌گردد، اما باطل نیست و به اصطلاح معامله در انتظار نفوذ خواهد ماند تا رضایت حاصل گردد.

در فقه جزایی و حقوق جزا، از رضایت تعبیر دیگری بجز مصداق فوق، یعنی: «تمایل طبیعی و خواست شخصی با اختیار و کمال» وجود ندارد و در حقوق جزایی نیز رضایت در برابر اکراه و اجبار قرار گرفته است و شارع فقه و قانون‌گذار، به آثار اکراه و اجبار در جرایم پرداخته که به واقع، به اکراه و اجباری پرداخته شده است که عنصر رضایت را در ارتکاب جرم زائل نموده است.

**۴. تجاوز به عنف:**

تجاوز، نوعی خشونت جنسی است که معمولاً شامل آمیزش جنسی می‌شود و توسط فرد یا افرادی به رغم رضایت شخص انجام می‌شود. این عمل می‌تواند با اجبار فیزیکی، تهدید، سوءاستفاده از مسئولیت یا با فردی که ناتوان یا زیر سن قانونی است رخ دهد. این عبارت غالباً در قانون جزایی تعریف می‌شود. کسی که عمل تجاوز را انجام می‌دهد تحت عنوان «متجاوز» یا «تجاوزگر» شناخته می‌شود.

تجاوز جنسی ازجمله جرائمی است که نه‌تنها موجب آسیب‌های فیزیکی، روحی و روانی بسیاری به فرد قربانی می‌شود، بلکه موجب برهم خوردن امنیت و آرامش در جامعه می‌شود.

واژه rape (تجاوز) از فعل لاتین rapere ریشه گرفته است. تجاوز جنسی نوعی خشونت جنسی است که معمولاً با آمیزش همراه است و توسط فرد یا گروهی از افراد، برخلاف رضایت قربانی انجام می‌شود. این رابطه باید برخلاف میل قربانی و از طریق زور یا تهدید به‌زور باشد، یا با شخصی که به دلیل وضعیتی خاص مانند بیماری روانی، عقب‌ماندگی ذهنی یا حتی هشیار نبودن مانند مسمومیت یا بیهوشی، قادر به دادن رضایت قانونی نیست.

تعاریف گوناگونی برای تجاوز جنسی در اقصی نقاط دنیا و نیز برهه‌های مختلف تاریخی، ارائه شده‌است. تعریف تجاوز، در بسیاری متون قضایی، آمیزش (مقاربت) جنسی یا انواع دیگر روابط جنسی است که بدون رضایت فرد قربانی، از سوی شخص متجاوز بر او تحمیل می‌شود. سازمان ملل، آن را تحت عنوان «مقاربت جنسی بدون رضایت»، تعریف می‌کند؛ و سازمان جهانی سلامت، در سال ۲۰۰۲ تعریف «نفوذ به مقعد یا آلت تناسلی زنانه (vulva) همراه با اعمال زور و تحت اجبار، به‌وسیله آلت جنسی مردانه، سایر اندام‌های بدن یا یک شی» را ارائه داده‌است. از سوی دیگر، بعضی جوامع همچون آلمان، تعاریف جامع تری را بکار می‌برند که در آنها، الزامی برای مقاربت در تجاوز نیست؛ دادگاه جنایی بین‌المللی برای رواندا ۱۹۹۸، تجاوز(rape) را «تجاوز فیزیکی با ماهیت جنسی، که به یک شخص تحت اجبار اعمال می‌شود»، تعریف می‌کند. در بعضی متون قضایی اصطلاح تجاوز(rape) با اصطلاحاتی همچون «رفتار خشونت‌آمیز جنسی» یا «رفتار جنایت آمیز جنسی»، جایگزین شده‌است. اما بسیاری از متون قضایی و کشورها، تجاوز را هم چنان آن دسته از اعمالی می‌دانند که شامل نفوذ آلت مردانه به واژن و سایررفتارهای جنسی مرتبط، همراه با اعمال خشونت

جنسی باشد. به عنوان مثال در برزیل، قانون، تجاوز جنسی را، سکسواژینال بدون رضایت فرد تعریف می‌کند؛ بنابراین، تجاوز به مرد، تجاوز مقعدی(Anal) و تجاوز دهان(oral)، مشمول این تعریف نمی‌شوند که با توجه به مطالبی ارائه شده در این پژوهش، از منظر جنسیت، تفاوتی بین قربانیان نبوده و همانگونه که زنان مورد تعرض و تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، مردان نیز از سوی مردان دیگر، مورد تجاوز جنسی واقع می‌شوند. آنچه در تجاوز به عنف، حائز اهمیت است، عدم رضایت فرد در برقراری تماس و مقاربت جنسی بوده که شرایط تجاوز به عنف را ایجاد می‌نماید.

تجاوز و یا تجاوز به عنف، صرفاً با اِعمال اکراه و یا اجبار همراه نبوده بلکه در مصادیق وجود شرایط و وضعیتی خاص برای فرد مورد تجاوز، از قبیل: «فریب، خردسال بودن قربانی، بیماری روانی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت جسمی، بیهوش بودن یا بیهوش نمودن قربانی و یا مسلوب الاراده کردن وی از طریق دارو، مشروبات الکلی و یا مواد مخدر و روانگردان»، تجاوز موضوعیت خواهد یافت.

**۱-۴. تحلیل فقهی**

**۱-۱-٤. مبنای حرمت تجاوز**

تجاوز به عنف در منابع روایی و منابع فقهی گذشته با عناوینی همچون «غصبِ فَرجْ» و «مُکابره» بیان شده است و در برخی منابع فقهی جدید گاهی با عنوان «زنای به عنف» یا «زنای اکراهی» نیز آمده است.

در فقه امامیه، تعرض جنسی بدون رضایت شخص، از مصادیق روشن تعدی به حقوق و حرمت انسان است.

مبنای فقهی حکم زنای به عنف را باید در مجموعه‌ای از قواعد مرتبط با حرمت زنا، منع اکراه، احترام مال و عرض مسلم و حمایت از کرامت انسانی جست‌وجو کرد.

**۲-۱-٤. مفهوم‌شناسی زنای به عنف در فقه امامیه**

در فقه امامیه، «زنای به عنف» به معنای «آمیزش نامشروع با اجبار و بدون رضایت زن» است. این جرم در منابع روایی به‌صراحت مورد اشاره قرار گرفته است:

روایت محمد بن مسلم از امام باقر (ع): «أَنَّ رَجُلًا أَكْرَهَ امْرَأَةً عَلَى الزِّنَا فَجُلِدَ الْمُكْرِهُ حَدَّ الزَّانِي...»

روایت ابی‌عبیده: «زَنَا بِامْرَأَةٍ مُكْرَهَةً، فَقَالَ: عَلَى الْمُكْرِهِ حَدُّ الزَّانِي...»

از منظر فقهی، سه عنصر اساسی این جرم عبارت است از:

عمل مادی: آمیزش نامشروع.

عنصر معنوی: سوءنیت و قصد تجاوز.

عنصر اجبار: نبود رضایت زن.

روایات و فقه شیعه، عنصر اجبار را برابر فقدان رضایت در رابطه جنسی تبیین نموده که در حال حاضر، کشورهای پیشرو در حقوق جزایی، عدم رضایت آزادانه بزه‌دیده را در روابط جنسی، عنصر اصلی اثبات تجاوز به عنف در نظر گرفته‌اند.

**۲-۴. عنف و اکراه**

یکی از نکات مهم، تفکیک میان«عنف» و «اکراه» است. قانون‌گذار معیار دقیقی برای تشخیص «عنف» از «رضایت» ارائه نکرده است. به واقع تعریفی از عنف در قانون موجود نبوده و به تعاریف فقهی آن در منابع معتبر فقهی بسنده شده است.

اکراه الزام اراده شخص از طریق تهدید یا فشار مؤثر است، در حالی که عنف در مفهوم رایج‌تر با اعمال زور و اجبار همراه است.

اما در حقوق موضوعه ایران، قانون‌گذار با توسعه موارد حکم عنف در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عملاً برخی وضعیت‌هایی را که در آنها امکان رضایت واقعی وجود ندارد نیز در همین چارچوب قرار داده است. لذا مشاهده می‌شود قانونگذار بجای تعریف عنف، به مصادیق آن پرداخته است.

**۳-۴. تحلیل جزایی**

**۱-۳-۴. تجاوز به عنف در جرم شناسی:**

اصطلاحی در جرم شناسی است، به معنی انجام نزدیکی جنسی با فرد، بدون رضایت او. در این تعریف تفاوتی بین جنسیت مجنی‌علیه وجود نداشته و مردان و زنان را در برمی‌گیرد.

* نزدیکی فرد بالغ با افراد کم سن و سال و کودکان، حتی اگر با رضایت او باشد، نیز تجاوز محسوب می شود.

**۲-۳-۴. تجاوز به عُنف (با قهر و غلبه)**

عُنف، در لغت به معنای سخت دلی، قساوت و کراهت(معین، ۱۳۸۷) و در اصطلاح حقوقی به عنوان فعل ارادی که بر انسان دیگر وقوع یافته، بطوریکه مفعولٌ‌به رضایت نداشته (خواه عدم رضایت همراه با واکنش باشد یا خیر) و بتواند اظهار کراهت از آن فعل کند که همراه با سوءنیت همراه شود(جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰) زنای به عنف به معنای آن است که مثلاً زنی به عمل زنا راضی نباشد و مرد با زور، ارعاب و تهدید با وی زنا کرده باشد. مجازات زنای به عنف برای مرد زنا کننده «اعدام» است.

پیش‌تر نیز بیان شد زنای به عنف، صرفاً با اِعمال اکراه و یا اجبار همراه نبوده بلکه در مصادیق وجود شرایط و وضعیتی خاص برای فرد مورد تجاوز، از قبیل: «فریب، خردسال بودن قربانی، بیماری روانی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت جسمی، بیهوش بودن یا بیهوش نمودن قربانی و یا مسلوب الاراده کردن وی از طریق دارو، مشروبات الکلی و یا مواد مخدر و روانگردان»، تجاوز موضوعیت خواهد یافت.

**۵. ادله اثبات جرایم منافی عفت و تجاوزات به عنف و اکراه**

**راه‌های اثبات جرایم جنسی به رضایت و به عنف:**

**الف) ادله سنتی و علم قاضی:**

ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، ادله اثبات جرم را « اقرار، شهادت، قسامه، سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی» بیان داشته است که در جرایم منافی عفت، «اقرار، شهادت» قابلیت استناد داشته و به عنوان ادله «سنتی» و «فقهی» محسوب می‌شوند. لیکن شرایط اقرار و شهادت در خصوص اثبات جرایم جنسی اعم از: «به عنف و اکراه» و «به رضایت»، از نظر تعداد اقرار، حدنصاب و جنسیت شهود، با سایر جرایم متفاوت است. «علم قاضی» نیز در فقه و قوانین جزایی کشورمان جایگاه ویژه‌ای در ادله اثبات جرم به خود اختصاص داده است.

علت این شرایط سخت که توسط شارع تعیین شده است، جلوگیری از هتک حیثیت و جلوگیری از تخریب شخصیت اصحاب دعوی در جامعه بوده و به میزانی که اثبات جرایم منافی عفت، دشوار است، مجازات تعیینی شارع نیز شدید تعیین شده است.

طرق ثبوت جرایم جنسی موضوع این پژوهش، در قالب ادله اثبات در امور کیفری یکسان بوده و به واسطه «اقرار، بینه و علم قاضی» قابل اثبات است. البته نباید از سایر ادله اثباتیه مانند امارات، کارشناسی و غیره غافل شد لیکن سه طریقه یاد شده اهم ادله اثبات در احراز جرم مرتکبین بوده و بسته به نوع جرم و شدت و حدّت آنها در هتک حیثیت و شخصیت مرتکبین در سطح جامعه، همچنین به دلیل شدید بودن مجازات برخی از آن جرایم، از حیث حدنصاب اقرار و حد نصاب شهود با یکدیگر متفاوت است.

در جرایمی مانند زنا و یا لواط، حد نصاب اقرار، چهار مرتبه بوده و پس از اتمام چهارمین اقرار، حد زنا و یا لواط، بسته به نوع جرم، ثابت می‌گردد. در اثبات جرایم زنا و لواط از طریق بیّنه نیز، همین وصف معتبر است و با شهادت ۴ شاهد، مجازات حد شرعی ثابت خواهد شد و در غیر آن دادگاه حکم به شلاق تعزیری و در موارد شبهه، با استناد به قاعده فقهی «دراء»، مجازات ساقط می‌گردد. قانونگذار به تبعیت از فقه جزایی، در «ماده ۱۶۴، بند «الف» ماده ۱۷۲ و مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲»، به تشریع و تبیین این ادله پرداخته است.

ادله اثباتیه یادشده را از آن جهت ادله سنتی نامیده‌ایم که در فقه جزایی و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، به آنها اشاره شده است؛ البته قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی، برای حصول علم قاضی با استناد به ماده ۲۱۱ از قانون یادشده، قرائن و امارات علم‌آور را نیز برای اقناع وجدان قاضی بیان نموده است، به واقع، ارتباط ادله سنتی با امارات، قرائن و شواهد علم‌آور برای قاضی در نظام کنونی جزایی کشورمان ایجاد شده است، اما این مصادیق برای اثبات جرایم منافی عفت به اکراه و عنف، کافی به نظر نمی‌رسد.

یکی از اماراتی که در این جرم بسیار حائز اهمیت می‌باشد و موجبات علم قاضی را نیز ایجاد می‌کند، بحث وجود آثار ژنتیکی زانی در بدن زانیه و آثار عمل انجام شده، می‌باشد. از جمله مصادیق بارزی که در تبصره ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مطرح شده، نظریه کارشناس است. در اینگونه موارد قاضی رسیدگی کننده به پرونده (بخصوص در صورت وجود ادعایی مبنی بر عُنف بودن زنا یا همان تجاوز) فوراً دستور معرفی شاکی را به پزشکی قانونی جهت انجام معاینات تخصصی صادر می‌کند. از جمله مواردی که در تشخیص پزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی موثر است وجود اثرات باقی مانده در بدن زانیه اعم از موهای زهار زانی، بقایای اسپرم، وجود جراحت، آثار بزاق دهان مرد بر نواحی پشت گوش، گردن، نوک سینه‌ی زن، حواشی لب و در ناحیه

تناسلی زانیه می‌باشد که با نمونه برداری از آنها و تطبیق DNA آن با مشخصات ژنتیکی زانی به راحتی می‌توان فهمید که آیا شخص مظنون و متهم به جرم زنا، آیا همان شخصی است که شاکی معرفی نموده است یا خیر؟ پر واضح و بدیهی است که قاضی یک شخص حقوقدان بوده و تسلط ایشان بر حقوق و مواد قانونی می‌باشد و خارج از تصور نیست که وی تخصصی در امور تخصصی پزشکی نداشته باشد، به همین جهت گزارشات واصله از مرجع پزشکی قانونی الزاماً باید با دقت وافر و صراحت تنظیم گردد تا روشنایی بخش کیفیت و کمیّت عمل برای مقام قضایی بوده و وی بتواند مستند به آنها حکم مقتضی صادر کند.

ذکر این مهم را نیز ضروری می‌داند که در فقه جزایی نیز به وجود موهای زهار در اطراف آلت تناسلی و یا وجود منی اشاره شده که بازهم مشاهده می‌شود ارجاع قربانی به پزشکی قانونی و معاینات ظاهری و جسمی در زمره ادله سنتی محسوب می‌شود؛ لیکن آزمایشات تخصصی در پزشکی قانونی را باید ادله نوین در نظر بگیریم که به آن پرداخته خواهد شد.

**ب) ادله علمی و نوین:**

**پزشکی قانونی و معاینات تخصصی:**

در بخش ادله سنتی، به پزشکی قانونی و معاینات پزشکی در خصوص نمونه‌برداری از آثار جهت تطبیق DNA با مشخصات ژنتیکی متجاوز اشاره شد و بیان گردید که در فقه نیز به بررسی آثار توجه شده است؛ لیکن آزمایشات پیشرفته ژنتیکی، با پیشرفت علم پزشکی را باید در قالب ادله نوین بیان کرد و استفاده از «کیت‌های مخصوص تجاوز جنسی» را باید در اولویت قرار داد.

این کیت‌های تجاوز نه تنها لازم است در پزشکی قانونی مورد استفاده قرار گیرد، بلکه لازم است در اختیار بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نیز قرار داده شود تا قربانی تجاوز، در صورت مراجعه درمانی به بیمارستان، از طریق پزشکان نیز مورد آزمایش و ارزیابی قرار گیرد و کیت‌های تشخیصی، پس از نمونه‌برداری و تکمیل در بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و یا حتی در حین درمان، جهت اثبات تجاوز به پزشکی قانونی ارسال گردد. بدین سبب، زمان طلایی اثبات تجاوز از دست نخواهد رفت و بزه‌دیده به محض مراجعه به مراکز مذکور، با تشخیص پزشک معاینه کننده و یا اعلام تجاوز از سوی مجنیٌ‌علیه به پزشک، از طریق کیت‌های تجاوز جنسی، نمونه‌برداری شده و شرایط شکایت آتی برای وی محفوظ خواهد ماند.

**پلیس تخصصی و علمی:**

از دیگر ادله نوین می‌توان به پلیس تخصصی در جرایم جنسی اشاره کرد که این پلیس علمی و تخصصی در کشورمان وجود ندارد، در حالی که در کشورهای اروپایی و آمریکایی، این گروه از پلیس و ضابطان قضایی، به صورت علمی و تخصصی به کشف جرم و حفظ ادله تجاوز مبادرت نموده و گزارش خود را به مقامات قضایی تقدیم می‌کنند. بدین لحاظ در صورت کشف جرم از سوی پلیس تخصصی، اعلام از سوی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و یا مراجعه بزه‌دیده به پلیس، فعالیت تخصصی این گروه در جهت حفظ، نگهداری و بررسی ادله آغاز شده و با دستور قضایی به تعقیب متهم پرداخته و النهایه گزارش تکمیل شده به مقامات قضایی جهت رسیدگی قضایی، تقدیم می‌شود. این گروه تخصصی پلیس، علاوه بر موارد یادشده، امور حمایت از بزه‌دیده را نیز برعهده داشته و از این حیث، امنیت قربانیان تجاوزات جنسی در مسیر تظلم‌خواهی تأمین می‌گردد.

**ادله الکترونیکی:**

با پیشرفت علم و تکنولوژی، قانونگذار نیز خود را همسو با این پیشرفت نموده و ادله الکترونیکی را در زمره ادله اثبات مورد بحث و بررسی قرار داده است. به ادله الکترونیکی در قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲ پرداخته شده و مواد ۱۱ الی ۱۶ این قانون، به بررسی این ادله پرداخته است و مستند به مواد ۱۱ و ۱۶ از همان قانون، داده پیام‌های الکترونیکی مطمئن، بعنوان ادله قابل ارائه به محاکم بوده و اعتبار اثباتی دارند.

ادله الکترونیکی را باید در قالب پیام‌های ارسالی تایپی، صوتی و یا تصویری بررسی نمود. برخی از این پیام‌ها ممکن است حاوی اقرار متهم بوده که موجب اثبات جرم گردد و یا حاوی تهدیدات مختلف اعم از تهدید به قتل، تهدید به صدمات و آزار جسمانی و تهدید به افشای موضوع و رابطه باشد که در این حالات نیز می‌توان از این ادله الکترونیکی در مقام اثبات جرم علیه متجاوز استفاده کرد.

**پ) تلفیق ادله:**

ادله سنتی، علم قاضی و ادله نوین، در کنار هم و با تلفیق با یکدیگر، می‌توانند بهترین نتیجه را برای اثبات تجاوز جنسی و یا رد آن در پی داشته باشند. هرچند که جایگاه علم قاضی در ادله اثبات جرم، بسیار ویژه است، لیکن با این تلفیق، می‌توان موجبات علم قاضی را به طرق مطمئن و کاملاً مبتنی بر یقین، فراهم کرد. لذا در اثبات تجاوزات جنسی، تلفیق: «ادله سنتی+ ادله نوین+ علم قاضی» تواماً پیشنهاد می‌شود.

## ۶. چالش‌های اثبات تجاوزات به عنف در ایران و در دادگاه کیفری یک

### ۱-۶. مرجع رسیدگی به جرایم منافی عفت و تجاوزات به عنف و اکراه:

با استناد به بند «الف» ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی به جرایم مستوجب سلب حیات، در دادگاه کیفری یک انجام می‌شود و مستنداً به بند «ت» از ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ۲ ذیل آن، حد زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی و همچنین حد لواط به عنف و اکراه از سوی فاعل، سلب حیات و اعدام است و مجازات این دسته از جرایم به عنف و اکراه، مشمول بند «الف» ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری خواهد بود. علاوه بر آن با التفات به مواد ۱۰۲ و ۳۰۶ این قانون، تحقیق در جرایم منافی عفت به مقام قضایی محول گردیده و به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود. نتیجه آنکه رسیدگی به جرایم تجاوز به عنف، اعم از: «زنای به عنف و اکراه و لواط به عنف و اکراه» در صلاحیت دادگاه کیفری یک می‌باشد. سایر جرایم جنسی که خشونت جنسی نیز شامل آن خواهد بود، در مواردی که منجر به عنف و اکراه و در حکم عنف نباشد و یا مجازات آن سلب حیات نباشد، در دادگاه کیفری دو مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

دادگاه کیفری یک پس از «صدور قرار رسیدگی» با استناد به ماده ۳۸۳ قانون اخیرالذکر، آغاز به رسیدگی در جرایم تجاوزات به عنف می‌نماید که این مقام قضایی بی‌طرف، از یکسو ملزم به رسیدگی به تظلم‌خواهی بزه‌دیده بوده و از سوی دیگر ملزم به رعایت حقوق متهم است.

نظام اثباتی فعلی در پرونده‌های تجاوز به عنف، با پارادوکس جدی مواجه است؛ یک قطب متضاد، آنکه قانون‌گذار برای صیانت از حقوق متهم، سخت‌ترین ادله را برای اثبات جرایم منافی عفت مقرر کرده و در قطب متضاد بعدی، همین سخت‌گیری موجب بی‌کیفر ماندن بسیاری از مرتکبان و بی‌حمایتی قربانیان شده است.

**۲-۶. رویکردهای قضات دادگاه کیفری یک در جرایم جنسی به عنف و اکراه:**

در نظام جزایی کنونی کشورمان، قضات دادگاه کیفری یک نیز در این جرایم، رویکردهای متفاوتی دارند.

**الف) رویکرد پذیرا:** در پرونده تحت رسیدگی، نتیجه آزمایش DNA و گزارش پزشکی قانونی به قدری متقن است که حصول علم یقینی برای قاضی ایجاد شده و نیازی به ادله سنتی دیگر وجود ندارد؛ یا اقرار صریح متهم وجود داشته و نیازی به ادله دیگر نیست.

**ب) رویکرد تردیدآمیز:** در پرونده، آزمایش DNA و گزارش پزشکی قانونی اثبات نموده که رابطه جنسی رخ داده است، اما آثار جسمانی مثبت عنف در گزارش مشاهده نمی‌گردد. در این صورت برای اثبات عنف، به سایر ادله و قرائن مکمل نیاز است.

**پ) رویکرد ناپذیرا:** در صورت عدم وجود آثار جسمانی اثبات کننده تجاوز به عنف در گزارش پزشکی قانونی، قاضی رسیدگی کننده، خود را ملزم به رعایت ادله سنتی نموده و در صورت عدم وجود این ادله، یا بواسطه فقد دلیل به اصل برائت، اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استناد نموده و حکم بر برائت متهم صادر می‌کند و یا با لحاظ قاعده فقهی «دراء» و ایجاد شبهه، علاوه بر اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مستند به ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حکم برائت متهم را صادر می‌نماید

در رویکردهای نظام جزایی کشورمان در جرایم یادشده، به عنصر رضایت و فقدان رضایت آگاهانه مجنیٌ‌علیه هیچ توجهی نشده است و این موضوع از نواقص بارز نظام جزایی اخیر محسوب می‌شود. علم قاضی نیز حتی در تعارض با سایر ادله، مستند به ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جایگاه ویژه خود را به منصه ظهور رسانده است.

اما از دیدگاه حقوق جزای نوین، اهمیت علم قاضی در پرونده‌های جرایم جنسی از آن جهت است که ممکن است مجموعه‌ای از قرائن، بدون آنکه هر یک به تنهایی دلیل کامل باشند، در کنار یکدیگر تصویری منسجم از واقعه ایجاد کنند.

برای مثال:

- اظهارات اولیه و بعدی بزه‌دیده؛
- آثار پزشکی؛
- پیام‌ها؛

- تماس‌های تلفنی؛
- داده‌های دیجیتال؛
- شهادت اشخاصی که بلافاصله پس از حادثه از موضوع مطلع شده‌اند؛
- رفتار متهم؛
- اقرارهای ضمنی؛
- قرائن محیطی؛
- نظریه کارشناسی،

می‌توانند در تشکیل علم قضایی مؤثر باشند و در صورت تجمیع ادله سنتی و علمی نوین، علم قاضی در اتصال دو حلقه مذکور به گونه‌ای ایجاد می‌شود که دارای کمترین انحراف قضایی و نقص خواهد بود.

**۳-۶. عدم پیش‌بینی قانونی رضایت بزه‌دیده در جرایم جنسی:**

جایگاه رضایت قربانی در قوانین جزایی کشورمان مسکوت بوده در حالی که در نظام‌های جزایی کشورهای اروپایی و آمریکایی، شرط «عدم رضایت بزه‌دیده در رابطه جنسی»، تجاوز به عنف و اکراه را احراز می‌نماید. در نظام کنونی جزایی کشورمان، رضایت و عدم رضایت بزه‌دیده پیش‌بینی نشده و در تبصره ۲ ذیل ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نیز بیان گردیده: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنای با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنای به عنف است...». با این وصف، ماده مورد اشاره ظرفیت‌هایی برای شناسایی وضعیت‌های فقدان رضایت ایجاد کرده است.

با این حال، به نظر می‌رسد لازم است مفهوم «رضایت آزادانه» به عنوان یک معیار تحلیلی روشن‌تر وارد ادبیات تقنینی و قضایی شود؛ بدون آنکه این امر به نادیده گرفتن الزامات فقهی جرایم حدی یا اصل برائت منجر گردد و در کنار زنای به عنف، طیف کامل‌تری از رفتارهای جنسی اجباری و غیررضایی در قالب جرایم تعزیری دقیق جرم‌انگاری شود. مفهوم فقدان رضایت بزه‌دیده در جرایم جنسی گنجانده شده و برای آن جایگاه ویژه‌ای در این دسته از جرایم پیش‌بینی گردد.

**۴-۶. رفع چالش‌های اثبات جرایم جنسی:**

جایگاه ویژه علم قاضی بعنوان یکی از مهم‌ترین ادله اثبات جرم در نظام حقوقی کشورمان بر کسی پوشیده نیست و بدین لحاظ در پرونده‌های کیفری تا اقناع وجدان قاضی حاصل نگردد و تا مقام قضایی به علم نرسد، حکم محکومیتی صادر نخواهد شد. لذا قصد تضعیف این جایگاه را نداریم، لیکن برای حصول علم، لازم است صرفاً به ادله سنتی اکتفا نگردد و از ادله علمی و نوین نیز به بهترین شکل، بهره‌برداری صورت پذیرد تا علم حاصله برای قضات، یقین مبتنی بر واقعیت و اصول علمی باشد.

این مهم را باید مدنظر قرار دهیم که متجاوزین در جرایم جنسی به عنف، محل‌های خلوت و امنی را برای ارتکاب جرم پیش‌بینی می‌کنند تا بتوانند به قربانی تعرض جنسی نمایند و به همین دلیل، ادله سنتی برای اثبات این گروه از جرایم، کارآیی کافی را ندارد؛ ضمن آنکه نظام حقوقی کشورمان نیز به رویکرد وجود آثار مقاومت در عنف اتکا داشته و برای رضایت آگاهانه بزه‌دیده، محلی از

اعراب پیش‌بینی نشده است، لذا ضمن اصلاح قانون در بحث رضایت در جرایم جنسی به عنف، مدل سه لایه برای رفع چالش اثبات جرایم جنسی پیشنهاد می‌شود.

مدل سه لایه پیشنهادی با بهره‌گیری از ظرفیت «علم قاضی» در مواد ۲۱۱ و ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، راهکاری میانه و جامع ارائه می‌دهد که ضمن احترام و رعایت اصول فقهی، امکان استفاده از ادله علمی و نوین را فراهم می‌کند.

در این مدل:

لایه سنتی، نقش پایه را حفظ می‌کند.

لایه علمی، بعنوان دلیل و حتی اماره قوی مورد استناد قرار می‌گیرد

لایه سوم، علم قاضی بعنوان حلقه نهایی، تفسیر و تعامل میان دو لایه را ممکن می‌سازد.

**نتیجه‌گیری**

اثبات جرایم جنسی در نظام حقوقی کشورمان، بسیار دشوار بوده و قربانی تعرضات جنسی پس از تقدیم شکایت به دادگاه کیفری یک، با چالش اثبات عنف و اکراه در رابطه جنسی روبرو هستند.

صدور نظریه پزشکی قانونی با مفهوم عدم وجود آثار مقاومت در بدن مجنیٌعلیه، موجب می‌گردد در صورت عدم وجود اقرار متجاوز و یا فقدان شهود بر رویت رابطه جنسی به عنف، قضات دادگاه‌های کیفری یک، ادعای اکراه و عنف را از قربانی نپذیرند و رابطه جنسی را مبتنی بر رضایت طرفین منظور نمایند.

در نظام حقوقی کنونی کشورمان، مفهوم عدم وجود رضایت آگاهانه در رابطه جنسی، جایگاهی نداشته در صورتی که در اغلب کشورهای پیشرو در حقوق جزا، عدم وجود رضایت قربانی در روابط جنسی، موجب اثبات عنف و اکراه بوده و عمل ارتکابی، جرم محسوب شده و متعرض به مجازات محکوم می‌شود.

علم قاضی نیز از مهم‌ترین ادله اثبات جرم محسوب شده و قانون‌گذار، اختیارات وسیعی برای قضات کیفری در صدور حکم محکومیت مبتنی بر علم قاضی قائل شده است. علم موضوع بحث نیز در حال حاضر از طریق ادله سنتی حاصل می‌شود که در جرایم جنسی با توجه به نوع و شیوه ارتکاب جرم توسط متجاوزین، کارآیی کافی نداشته و بسیاری از مرتکبین از چنگال عدالت می‌گریزند.

ادله علمی و نوین در کنار ادله سنتی، می‌توانند علم قضات را به کامل‌ترین شکل ایجاد نمایند و درصد خطای قضات در صدور احکام محکومیت و یا برائت را به حداقل ممکن کاهش دهند.

مدل سه لایه پیشنهادی برای اثبات تجاوزات جنسی بدین سبب پیشنهاد شده است. در این مدل: « لایه اول: ادله سنتی+ لایه دوم: ادله علمی نوین+ لایه سوم: علم قاضی بعنوان ناظر نهایی و حلقه اتصال» نه تنها علم غایی قضات را به متقن‌ترین شکل ایجاد می‌کند، بلکه درصد خطای قضات در صدور احکام محکومیت و یا برائت را در جرایم منافی عفت به عنف، به طرز قابل توجهی کاهش می‌دهد.

**پیشنهادها:**

برای رفع چالش‌های اثبات در جرایم منافی عفت به اکراه و عنف، پیشنهادهای زیر تقدیم می‌شود.

**الف) پیشنهادهای تقنینی:**

۱- اصلاح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پیرامون «فقدان رضایت آگاهانه» بعنوان یکی از ارکان تجاوزات به عنف و اکراه.
۲- اصلاح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در خصوص پذیرش ادله علمی، بعنوان ادله اثبات جرم علی‌الخصوص در جرایم منافی عفت.
۳- تصریح قانونی به اعتبار بخشی به آزمایشات و نتایج پزشکی قانونی در صورت شناسایی DNA متجاوز بعنوان دلیلی مستقل در کنار سایر ادله.
٤- تصریح قانونی در خصوص اعتبار بخشی به داده‌های دیجیتالی و الکترونیکی از قبیل: «صوت، تصویر، فیلم و پیام» در قانون مجازات اسلامی.
٥- تعیین سازوکار قانونی برای حمایت از بزه‌دیده

**ب) پیشنهادهای قضایی:**

۱. ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای جرایم جنسی
۲. بگارگیری قضات متخصص در جرایم منافی عفت
۳. برگزاری دوره‌های آموزش تخصصی ویژه قضات در حوزه ادله علمی نوین.
٤. ایجاد و تشکیل پلیس تخصصی در جرایم منافی عفت به اکراه و عنف و بررسی تخصصی موضوع و کشف و تحصیل ادله؛ همچنین حمایت از بزه‌دیدگان جرایم جنسی.

**پ) پیشنهادهای اجرایی:**

۱) توسعه آزمایشگاه‌های ژنتیکی در پزشکی قانونی مراکز استان‌ها و شهرستان‌های پرجمعیت
۲) تهیه و تأمین کیت‌های تخصصی تشخیص تجاوزات جنسی و توزیع آن در میان بیمارستان‌ها و مراکز درمانی علاوه بر مراکز معاینات و آزمایشگاه‌های پزشکی قانونی
۳) رایگان کردن آزمایشات تجاوزات جنسی و به خصوص آزمایشات ژنتیک برای قربانیان تجاوزات جنسی
۴) همکاری بین‌رشته‌ای میان پزشکی قانونی، روان‌شناسی جنایی، پلیس علمی و دستگاه قضایی در راستای حمایت از بزه‌دیدگان جرایم جنسی.

## منابع

### منابع فارسی


- ارجمند دانش، جعفر، ۱۳۹۲، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بهنامی.
- الاسدی، الحسن بن یوسف بن المطهر(العلامه الحلی)، ۱۴۱۰ ق، إرشادالاذهان فی احکام الایمان، ج ۲، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- الجبعی العاملی، زین الدین(الشهید الثانی)، ۱۳۷۴، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، موسسه اسماعیلیان، ج ۳.
- الجبعی العاملی، زین الدین(الشهید الثانی)، ۱۴۱۰ ق، مسالک الأفهام، جلد ۱۴، قم، معارف اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر،۱۳۹۰، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، کتابخانه گنج دانش.
- ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد، ۱۳۶۷، المباحث الفقهیه فی شرح الروضه البهیه، جلد ۲۸، ۲۹، ۳۰، قم، انتشارات وجدانی.
- رزم ساز، بابک، ۱۳۹۲، روش‌های پیشگیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در سیاست جنائی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مجد.
- علوی گرگانی، محمدعلی، ۱۳۸۳، التعلیقه علی تحریرالوسیله للامام الخمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص۵۰۶، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، چاپ ۱۳.
- گودرزی، فرامرز، ۱۳۷۷، پزشکی قانونی، ج ۱، انتشارات انتیشتین، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، دار إحیاء التراث العربی، بیروت.
- المحقق الحلی، جعفر بن حسن، ۱۴۱۲ ق، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، انتشارات امیر، چاپ سوم.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۹۲، قواعد فقه، بخش جزایی، جلد چهارم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۸۷، فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، انتشارات فرهنگ نما.
- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۴، تحریرالوسیله، چاپ دوم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۹۰، تحریر الوسیله، چاپ دوم، جلد۲، نجف اشرف مطبعه الآداب.
- موسوی، سید محمد، ۱۳۹۸، تحلیل فقهی- حقوقی ادله اثبات زنای به عنف، تهران، انتشارات میزان.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ ق، جواهر الکلام، جلد ۴۱، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
- نوبهار، رحیم، ۱۳۸۹، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آئین نامه اجرائی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۰۸.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب سال ۱۳۷۹.
- قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۳۹۲.
- قانون تجارت الکترونیکی، مصوب سال ۱۳۸۲.
- قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی مصوب ۱۳۷۲/۰۴/۲۷.
- قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب سال ۱۳۷۵.
- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲.
- قانون مدنی، مصوب سال ۱۳۰۷.
- خوش سلوک، مهران، ۱۴۰۳، جرایم جنسی و تجاوز به عنف از دیدگاه فقه و قوانین جزایی، هفتمین کنگره ملی در علوم انسانی، تهران.

- فتّاحی، نُوژَن، خوش سلوک، مهران، پاییز ۱۴۰۲، مطالعه تطبیقی شناخت انواع زنا در فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲کتاب حدود ، حقوق و علوم سیاسی، ۴(۳)، صص. ۱۹۴-۲۰۸.
- قاسمی، حسین، ۱۴۰۰، ادله علمی نوین در اثبات جرایم جنسی، مجله حقوق کیفری، ۹(۳۴)، ۱۱۲-۱۴۵.

**منابع لاتین:**

- Roberts, P. (۲۰۱۸). Forensic Science and Criminal Justice. Oxford: Hart Publishing.
- Golan, T. (۲۰۱۹). Laws of Men and Laws of Nature. Cambridge: Harvard University Press.
- Saks, M. J., & Koehler, J. J. (۲۰۲۰). The Coming Paradigm Shift in Forensic Identification Science. Science, ۳۰۹(۵۷۳٦), ۸۹۲-۸۹۵.
- Mnookin, J. L. (۲۰۱۹). The Courts, the NAS, and the Future of Forensic Science. Brooklyn Law Review, ۷۵(٤), ۱۲۰۹-۱۲۵۷.
- Jackson, J. D. (۲۰۲۰). The Internationalisation of Criminal Evidence. Cambridge: Cambridge University Press.